



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

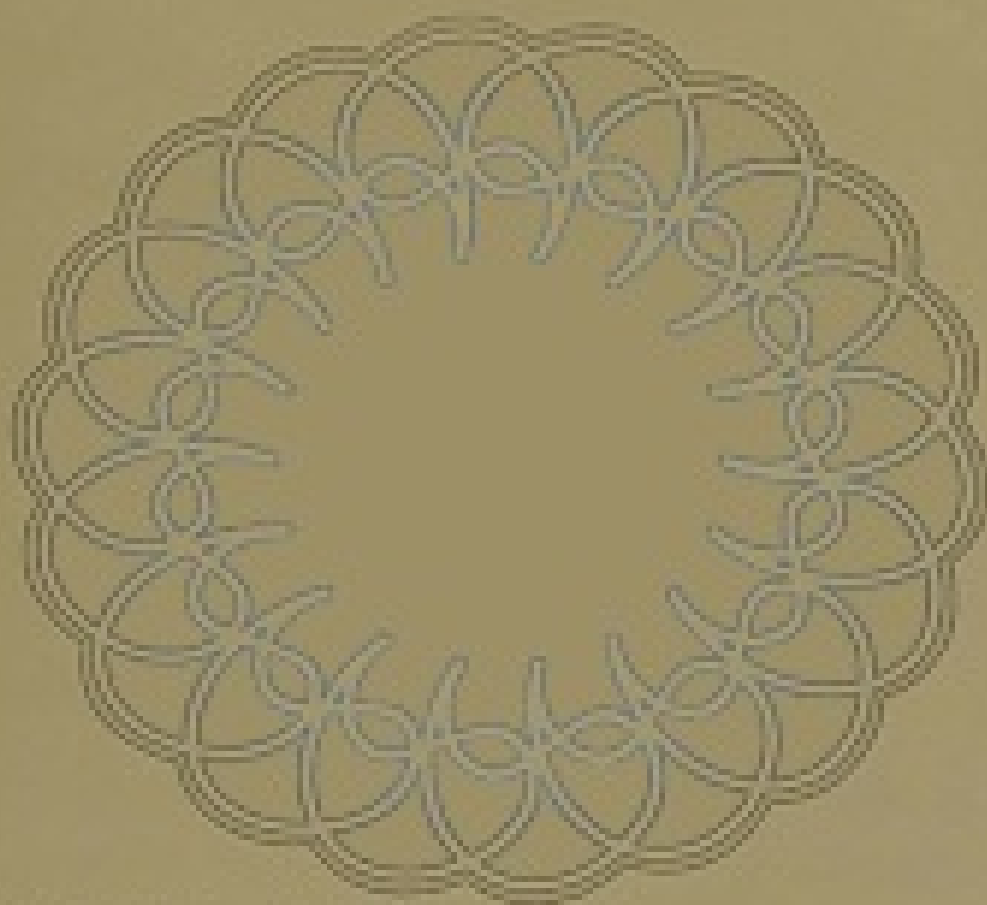


الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# تحریر ف ناپذیری قرآن

از دیدگاه علامہ شعرانی



نادعلی عاشوری تلوکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تحریرف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه شعرانی

نویسنده:

نادعلی عاشوری تلوکی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه شعرانی
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۹	تعریف تحریف
۱۰	پیشینه تحریف
۱۲	ادله تحریف ناپذیری قرآن
۱۲	اشاره
۱۲	تواتر قرآن
۱۵	تواتر قراءات
۱۷	وجوب متابعت رسم الخط
۲۰	مشخص بودن سوره ها در زمان رسول خدا
۲۲	تعیین جای آیات از سوی پیامبر
۲۳	اهتمام صحابه
۲۳	تاکید بر تلاوت صحیح
۲۴	ضعف ادله تحریف
۲۹	پاسخ به برخی از شبهات
۲۹	اشاره
۲۹	شبهه آیات منسوخ التلاوه
۳۱	شبهه مربوط به مصاحف صحابه
۳۲	شبهه مرتبط با مصحف علی
۳۵	شبهه راجع به جمع قرآن در زمان عثمان
۳۷	شبهه اختلاف قرائت ها

۳۹ ..... شهبه قرآت ائمه

۴۱ ..... پاورقی

۴۷ ..... دربارہ مرکز

تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه شعرانی

نادعلی عاشوری تلوکی

### چکیده

علامه شعرانی در حواشی و تعلیقاتی که بر شماری از کتابها نوشته اند، درباره علوم قرآن، از جمله تحریف ناپذیری قرآن نکاتی ارجمند را بیان کرده اند. وی تحریف قرآن به معنای جابه جایی یا تغییر و یا زیادت و نقصان پاره ای از کلمات یا آیات قرآن را به این دلایل مردود می شمارد: تواتر قرآن، تواتر قرائات، وجوب متابعت از رسم الخط مصحف عثمانی، مشخص بودن سوره ها در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و... و یکایک ادله قائلان به تحریف را مانند آنچه در فصل الخطاب آمده است، رد می کند. در مقاله حاضر شرح این مطالب آمده است. کلید واژه ها: تحریف قرآن، تحریف ناپذیری قرآن، ادله تحریف ناپذیری قرآن، شبهات قائلان به تحریف قرآن.

### مقدمه

یکی از مسایل بسیار مهم و اساسی قرآن پژوهی، بحث تحریف ناپذیری قرآن است. اگر از گروهی از حشویه و اهل حدیث بگذریم که جمود فکری و قشری نگری، آنها را به اظهار نظرهای ناصحیح وادار نموده است، تقریباً میان تمام فرق مسلمان اتفاق نظر است که قرآن موجود همان است که در طی مدت بیست و سه سال و به تدریج بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید و آن حضرت به کاتبان وحی دستور داد تا آیات و سوره نازل شده را بنویسند و بسیاری از صحابه - که به طور قطع از صدها نفر هم تجاوز می کرد همه یا بخش اعظم قرآن را از حفظ داشتند. بنابراین، آنچه امروزه در بین مسلمانان به عنوان آخرین کتاب آسمانی دایر و مرسوم است، دقیقاً همان است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردیده، بدون

این که حتی یک کلمه در آن کم یا زیاد شده باشد و این صرف ادعا نیست؛ بلکه در جای خود با دلایل فراوان عقلی و نقلی به اثبات رسیده است. از جمله دانشمندانی که در عصر حاضر به بحث تحریف ناپذیری قرآن اهتمام ورزید و در موارد متعددی به اجمال و تفصیل بدان پرداخته است، علامه مفضل و حکیم عالی مقدر مرحوم علامه شعرانی است [۱]. علامه شعرانی آثار فراوانی را به صورت پاورقی، حواشی یا مقدمه بر بسیاری از کتب تفسیری، حدیثی، کلامی و فقهی نوشته و به ترجمه برخی کتابها نیز اقدام کرده است. در این تعلیقات و حواشی، موضوعات متنوع فراوانی را مورد بحث و بررسی قرار داده است که از آن جمله می توان به موضوع کنونی، یعنی تحریف ناپذیری قرآن اشاره کرد. علامه شعرانی این بحث را به تفصیل در حواشی وافی و کتاب فارسی اش به نام «راه سعادت» مورد بررسی قرار داده و عقیده جمهور علمای مسلمان را مبنی بر عدم تحریف قرآن مورد اثبات یا تاکید قرار داده است. ایشان در مقدمه ای که بر تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح الله کاشانی نوشته، در این باره می فرماید: چون علمای ما در عدم تحریف بسیار نوشته و استدلال کرده اند، حاجتی به تفصیل و تکرار ندیدم. در حاشیه وافی به قدر کافی متعرض آن شده ایم و در کتاب فارسی در نبوت، موسوم به «راه سعادت» اشارتی کرده ایم و این جا به ذکر چند نکته مختصر قناعت می کنیم [۲]. مرحوم شعرانی بسیاری از آرا و اندیشه های خویش را به صورت تعلیقات، توضیحات و حواشی و شروح بر بخشی از کتابهای مهم



تفسیری و کلامی به یادگار گذاشته اند. از مواردی که هم به صورت مستقل و مجزا و هم در ضمن مباحث دیگر بدان پرداختند، موضوع این مقال، یعنی تحریف ناپذیری قرآن است که به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم.

## تعریف تحریف

مرحوم خوئی در البیان به تفصیل به شرح معانی لغوی و اصطلاحی تحریف پرداخته است که تقریباً همه موارد مربوط به آن را شامل می شود [۳] علامه شعرانی - که گویا در اواخر عمر قصد نگارش تفسیر قرآن را داشته است [۴]، بدون پرداختن تفصیلی به آن موارد، در رساله ای که با عنوان "گفتاری در باب قرآن" از ایشان منتشر شده و در حکم مباحث مقدماتی تفسیر است، در این باره می نویسد: تحریف، یعنی نقل آیه از محلی به محل دیگر، یا تغییر بعضی کلمات. علی بن ابراهیم بسیاری از این قبیل را بر شمرده است؛ مانند: «و اجعلنا للمتقین اماما [۵]» که می گوید: در اصل «و اجعلنا من المتقین اماما» بوده و آیه «کنتم خیر امه اخرجت للناس [۶]» در اصل «کنتم خیر ائمه اخرجت للناس» بوده است... [۷]. ایشان به شدت با این سخن علی بن ابراهیم و امثال او به مخالفت برخاسته و با استناد به مساله جمع و تدوین آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به پاسخ گویی برآمده و چنین فرموده است: ولیکن این عقیده علی بن ابراهیم را به هیچ وجه ممکن نیست تصدیق کنیم؛ چون یقیناً اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله مختار نبودند که سوره های قرآن را به میل خود تالیف کنند و هر آیه را جزو هر سوره که

می خواهند قرار دهند؛ بلکه تالیف سوره ها چنان که گفتیم - در زمان آن حضرت و به امر او بوده است. از هر سوره نسخه ها برداشته و در اطراف بلاد منتشر کرده اند. هیچ کس را ممکن نبود، نصف آیه از سوره بقره را بردارد و در سوره مائده قرار دهد [۸]. علاوه بر این، آنچه علی بن ابراهیم ادعا کرده روایتی بیش نیست و در جای خود ثابت شده است که: هیچ یک از این قراآت برای ما اعتبار ندارد، چون به اخبار آحاد است و احتمال کذب و خطا در آن می دهیم؛ بلکه آنچه از پیغمبر و ائمه هم نقل کرده اند، چون صحت نقل مشکوک است، برای ما حجت نیست [۹]. در جعلی بودن این قبیل روایات همین بس که آنان حتی در سوره فاتحه ای که مسلمانان در هر روز لاقلاً پنج نوبت آن را در نمازهای یومیه اشان می خوانند، ادعا کرده اند که آیه «صراط الذین انعمت علیهم» در اصل «صراط من انعمت علیهم» بوده است و به تعبیر آن مرحوم: عجب تر این که گوید: در فاتحه الکتاب تحریف کرده اند. چون این سوره را تمام مسلمانان در نماز، روزی پنج مرتبه می خوانند و اگر در بیست و سه سال زمان حیات پیامبر «صراط من انعمت علیهم» خوانده می شده، نه ممکن بوده کسی در آن سهو کند و صراط الذین بخواند و نه عمداً جهت داشت که آن را تغییر دهند و اگر فایده ای هم تصور می شد، با شهادت عامه خلق، تغییر آن ممکن نبود [۱۰].

### پیشینه تحریف

مرحوم شعرانی بر این باور است که در بین علمای پیشین شیعه و حتی در طبقه میانی

دانشمندان شیعه نظیر علامه، محقق و شهید به هیچ وجه قول به تحریف طرفداری نداشته است [۱۱] و حتی از شیخ صدوق نقل می‌کند که: هر کس به ما شیعه نسبت دهد که می‌گوییم: از قرآن چیزی نقصان یافته، دروغ می‌گوید و ما هرگز چنین سخنی نگوییم [۱۲]. و از قول علامه در تذکره آورده است: مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله جمع کرد، همین مصحف متداول امروزی است که ما در دست داریم [۱۳]. و می‌افزاید: نظیر این کلام را صاحب مجمع البیان که اعظم مفسران شیعه است - در اول تفسیر خود ذکر کرده و نیز شیخ طوسی که رئیس فرقه است - در تفسیر تبیان و سید مرتضی در مسایل طرابلسیات آن را تقویت کرده اند و محقق کاظمی در کتاب شرح وافیہ بر آن، ادعای اجماع کرده و مخالفت بعضی را چون نسبشان معلوم است، قابل ادعا ندانسته است [۱۴]. به اعتقاد ایشان، علی رغم این که عقل سلیم و نقل صحیح بر نفی تحریف قرآن دلالت دارد، بسیار جای تاسف است که برخی از محدثان به خاطر اعتماد بیش از حد به روایت، شبهه تحریف را مطرح کرده اند [۱۵]. آن مرحوم بر این باور است که شبهه تحریف از سوی علامه مجلسی و به تبع وی از سوی شاگرد به واسطه اش میرزا حسین نوری در دنیای شیعه مطرح شده و تکیه گاه آنان نه عقل و منطق است و نه نقل صحیح و قطعی؛ بلکه به چند روایت ضعیف استناد شده است که هرگز نمی‌تواند در این مسیر، مورد اعتماد باشد [۱۶]

. همچنین درباره میرزا حسین نوری می نویسد: در این زمانها یک نفر از علمای حدیث، کتابی نوشته به نام «فصل الخطاب» برای اثبات این که قرآن تحریف و از آن چیزی کم شده است؛ ولی در تمام آن کتاب، چیزی که ارتباط به مطلب داشته باشد، ذکر نکرده است و جز تطویل از آن استفاده نمی شود [۱۷].

## ادله تحریف ناپذیری قرآن

### اشاره

اگر چه در طول حیات پرخیر و برکت قرآن، از سوی دانشمندان مسلمان، ادله فراوانی در نفی تحریف آن عرضه شده است؛ ولی همان گونه که پیش از این هم اشاره شد، سعی ما در این مقال بر آن است که تنها به دلایل ذکر شده از سوی علامه شعرانی در این زمینه بپردازیم. از این رو بدون پرداختن تفصیلی به همه مطالب این بحث، صرفاً دلایل ایشان را به اجمال برمی شمیریم. ایشان برای اثبات مدعای خود و رد نظر قائلان به تحریف به دلایلی استناد کرده اند که ذیلاً بدان اشاره می شود.

### تواتر قرآن

نکته مهمی که در نفی تحریف کارساز است، مساله تواتر قرآن است. علامه شعرانی در آغاز مقدمه خود بر تفسیر منهج الصادقین، ضمن اشاره به معنای تواتر، درباره تواتر بودن قرآن سخن گفته و چنین فرموده است: متواتر آن است که ناقلین آن در کثرت به اندازه ای باشند که احتمال ندهیم یکدیگر را ملاقات کرده و به توطئه و توافق یکدیگر، خبری به دروغ انتشار دهند؛ چنان که هر گاه در گواهی بر وقایع عادل، دو تن خصوصیات واقعه را به یک طریق نقل کنند و بدانیم یکدیگر را ملاقات نکرده اند، از قول آن دو تن یقین به صحت واقعه پیدا می کنیم؛ چون محال است عادتاً دو سخن دروغ با یکدیگر متفق باشند. در احادیث و تواریخ دو تن راوی بدین صفت یافت نشود؛ اما جماعت بسیار باشند که بدانیم توطئه آنان عادتاً محال است و آن را متواتر گوئیم و از آن یقین حاصل شود و اگر احتمال دهیم عمداً با یکدیگر توافق کردند تا دروغ انتشار دهند، از قول آنها یقین حاصل

نمی شود؛ گر چه مشهور باشد. وجود شهر مکه و مدینه و همچنین وجود حضرت خاتم انبیاء و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم به تواتر ثابت گردیده است؛ یعنی عده ای بسیار خبر داده اند که احتمال ندارد به تواطؤ عمدا دروغ گفته باشند. علمای اهل سنت و شیعه متفق اند که قرآن باید به تواتر ثابت شود و آن چه در اخبار آحاد وارد باشد، قرآن نیست. علامه حلی (ره) در باب قرائت از تذکره و سایر کتب فقه و همچنین در کتاب نهاییه الاصول و علمای دیگر در کتب خویش گویند: این قول اجماع است و نیز دلیل آورده اند که قرآن معجزه نبوت است و در اعتقادات یقین معتبر است. پس باید قرآن بودن کلام، متیقن باشد تا از روی آن، علم به نبوت حاصل شود و اگر قرآن ظنی باشد، معجزه نبوت مظنون و اصل نبوت هم مظنون باشد... و در اخبار آحاد از شیعه و سنی، بسیار کلمات به عنوان قرآن نقل شده است و صاحب فصل الخطاب در کتاب خویش آورده و هیچ کسی آنها را به عنوان قرآن نپذیرفته است و این خود قرینه است که نقل اجماع علما صحیح است و کسی اثبات قرآن را به خبر واحد جایز ندانسته است.... یکی از بزرگان علمای عصر ما آیه الله السید ابوالقاسم الخوئی در مقدمه تفسیر خود موسوم به الیابان گوید: اطبق المسلمون بجمیع نحلهم و مذاهبهم علی ان القرآن ینحصر طریقہ بالتواتر و استدلال کثیر من علماء السنه و الشیعه علی ذلک بان القرآن تتوافر الدواعی و در مفتاح الکرامه است: ان العاده تقضی بالتواتر فی تفاصیل القرآن من اجزائه و الفاظه و حرکاته و سکنااته و

وضعه فی محله لتوافر الدواعی الی ان قال فلا- یعبا بخلاف من خالف او شک فی المقام [۱۸]. همچنین در حواشی تفسیر ابوالفتوح رازی در این باره گوید: چون این سخنان به خبر واحد منقول است و خبر واحد در قرآن معتبر نیست، به اجماع مسلمانان از هر مذهب و آن چه در قرآن مکتوب است، به تواتر رسیده، برای ما جایز نیست، متواتر را ترک کرده، آن را موافق خبر واحد تغییر دهیم [۱۹]. و در جایی دیگر آورده است: ابان [بن] تغلب از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام است و از قاریان معروف و قولش حجت است و اگر گویی چرا به قرائت او نخوانیم، گویم: چون قرائت او برای ما به روایت متواتر ثابت نشده و نقل آحاد است و نقل آحاد در قرآن حجت نیست و قرآن مانند اصول دین است که به خبر واحد ثابت نمی شود [۲۰]. ایشان در این باره ضمن پاسخ به محدث نوری چنین آورده است: قولی که مصنف کتاب "فصل الخطاب" در صدد اثباتش برآمده، مخالف یکی از ضروریات مذهب شیعه است؛ زیرا هیچ کس مخالفت نکرده در این قول که قرآنی که بالفعل در دست ما می باشد، متواتر است. به این معنا که نقل آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله جوری بوده که دستبرد زدن در آن و دگرگون ساختنش ممکن نبوده؛ برای آن که ناقلین زیاد بوده اند و آنچه را ایشان می خواهد اثبات کند، اگر درست باشد، نکوهش و عیب جویی در تواتر این قرآن موجود نیز می باشد؛ زیرا از این احادیثی که روایت نموده،

فهمیده است که یک مردی که زید بن ثابت باشد، آیات قرآن را از گفتار تک تک از مردان به دست آورده، و هر جور دلخواهش بوده، بر طبق ذوق و سلیقه خود، آنها را گردآوری نموده و به سوره فلان نام گذاری کرده. این وارد کردن عیب است در تواتر قرآن و حال آن که معلوم است که قرآن متواتر است؛ به این معنا که [هر آیه ای از آیه هایش و] هر سوره ای از سوره هایش در سینه های مردم زیادی محفوظ بوده، یا در هر دوره ای از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله تا زمان ما به صورت نوشته نزد آنان بوده است و این به گونه ای بوده که برای احدی، تصرف در کلمه ای از آن به هیچ وجه امکان نداشته؛ چون در دیدگاه [و منظر و مرآی] عده بی شماری بوده [۲۱].

## تواتر قراآت

علاوه بر مساله تواتر قرآن که بارها در آثار علامه بدان تصریح شده است، همان گونه که پیشتر آمد، مساله تواتر قراآت نیز یکی دیگر از مواردی است که به اعتقاد علامه، بر نفی تحریف دلالت می کند. توضیح مطلب این است که نه تنها متواتر بودن تک تک آیات و سوره های قرآن دلیل عدم تحریف این آخرین کتاب آسمانی است، بلکه تواتر قراآت قرآن نیز دلیل دیگری بر تحریف ناپذیری آن است. همین که در پاره ای از روایات، قرائتی به عنوان "قراآت مشهور" مورد پذیرش قرار گرفت و قرائتی دیگر به عنوان "قراآت شاذ" مردود اعلام شد، به خوبی می رساند که صحابه تا آن اندازه به قرآن توجه داشتند که علی رغم اختلاف لهجه ها و بداهت خط عربی، باز هم یک قرائت را که همان قرائت

مورد تایید پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، مورد پذیرش رسمی قرار دادند و از دیگر قرائت‌ها صرف نظر کردند. علامه در این باره می نویسد: از بعض روایات معلوم می شود که مصحف زید بن ثابت قرائت عامه مردم بود؛ یعنی در همان عهد متواتر بود. گویند: کسی آیتی از قرآن قرائت کرد، بر خلاف عامه مردم و عمر تعجب کرد و از زید خواست آن آیه را قرائت کند، زید موافق عامه خواند. پس معلوم می شود، قرائت مشهور چیزی بود که اگر کسی بر خلاف آن می خواند، متوجه می شدند. پس از عهد عثمان باز اختلاف در رایت بماند؛ اما محدودتر؛ چون هیچ از رسم الخط مصحف زید خارج نبود؛ اما قرائت های سابق گاهی از رسم الخط وی خارج بوده؛ چنان که بر متبعان تفاسیر و قراآت واضح می گردد. مثلاً در قرائت عمر بن الخطاب «صراط من انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و غیر الضالین» بر خلاف خط مصحف مشهور است و در مصحف ابی بن کعب «فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه الا یطوف بهما» و در قرائت ابن مسعود «من بقلها و قنائها و ثومها» و هم در قرائت او «واقیموا الحج و العمره» است بجای «اتموا الحج و العمره»؛ اما هیچ یک از این قراآت برای ما اعتبار ندارد؛ چون به اخبار آحاد است و احتمال کذب و خطا در آن می دهیم؛ بلکه آن چه از پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هم نقل کرده اند، چون صحت نقل مشکوک است، برای ما حجت نیست [۲۲]. همچنین ذیل آیه ۲۳۴ سوره بقره در خصوص عبارت «لاتضار» که عاصم آن را «لاتضارر» به



فک ادغام و کسر راء خوانده، می نویسد: عاصم از قراء سبعه است که قرائت آنان متواتر است و خواندن آن به اجماع جایز ولیکن چون این قرائت از عاصم متواتر نیست و از شواذ محسوب است، قرائت آن جایز نیست و از این جا معلوم گردید که همه آنچه از هفت قاری مشهور روایت شده است، متواتر نباشد و شواذ آنان مانند شواذ دیگران است [۲۳]. و سرانجام این که در آغاز سوره انشراح می نویسد: بیشتر علمای ما گویند: بسم الله را نیز باید گفت، چون نقل آن متواتر است و به عقیده ما، در قرآن موجود تحریف راه نیافته و آن مصحفی که بسم الله ندارد و گویند: مصحف ابی بن کعب بوده، به تواتر نقل نشده است و اطمینان به نقل آحاد نداریم و ندانسته را جایز نیست برداشته ترجیح دهیم و قرائت متواتر را ترک کنیم [۲۴]. همان گونه که ملاحظه می شود، به اعتقاد علامه شعرانی، تواتر قراآت - علاوه بر تواتر قرآن خود دلیل دیگری بر تحریف ناپذیری این کتاب مقدس است.

### وجوب متابعت رسم الخط

یکی از دلایل یا لاقول شواهدی که مرحوم شعرانی در اثبات عدم تحریف قرآن آورده است، وجوب پیروی از رسم الخط زمان عثمان، یعنی زمان آخرین جمع قرآن کریم است. به اعتقاد ایشان، صحابه تا آن اندازه در حفظ متن و نص قرآن وسواس داشتند که پس از جمع زمان عثمان، نه تنها نقطه گذاری و اعراب گذاری را بدعت و غیرجایز می دانستند؛ بلکه بعضی اغلاط املائی را نظیر رحمه که به صورت رحمت و مرضاه که به شکل مرضات نوشته شده بود، هم تغییر ندادند [۲۵] و این خود

یکی از دلایلی است که شبهه تحریف قرآن را منتفی می سازد. به اعتقاد ایشان: در رسم الخط قرآن تعبد و متابعت نسخ اولیه قرآن واجب است و این نکته را مراعات باید کرد. مثلاً- انما در همه جای قرآن باید موصول نوشته شود، مگر در آیه ان ما توعدون لآت (در سوره انعام) که قرآن های قدیم از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله که مقطوع نوشته بودند و باید متابعت کرد و در این آیه سوره نحل (ان ما عندالله)... چون مصاحف از آن عهد هر دو گونه نوشته شده، برای ما هر دو وجه جایز است و حکم در هر کلمه که به ما متصل شود، مانند: اینما، کلما، بئسما و حیثما همین است که متابعت باید کرد و عجب آن که فاینما تولوا فثم وجه الله در آیه ۱۰۹ بقره متصل است و این ما تکنونوا یات بکم الله جمیعا در آیه ۱۴۲ همان سوره متصل؛ به فاصله یک ورقه و دلیلی جز متابعت ندارد [۲۶]. همچنین در ذیل آیه ۶۵ سوره طه «ان هذان لساحران» می فرماید: تحریف خلاف اجماع و تواتر است ولیکن عجب است که اهل خلاف، نسبت تحریف قرآن به شیعه می دهند... وجود این کلمه [هذان] در قرآن دلیل بزرگی است، بر عدم تحریف؛ چون اگر بنای قراء بر اعمال رای و سلیقه و مراعات قواعد بوده، حتما این کلمه را تغییر می دادند و هذین می کردند؛ اما بنا بر سماع بوده است [۲۷]. همچنین در بحث مستقلی که تحت عنوان رسم الخط قرآن در مقدمه تفسیر منهج الصادقین مرقوم فرموده اند، در این زمینه این گونه آورده اند: در مصاحف، کلماتی بر خلاف رسم

معهود نوشته اند و از عصر اول تا کنون، غالباً بدان مقید بودند و آن را تغییر ندادند، برای آن که توهّم تحریف در قرآن نشود و به اعتقاد ما حفظ آن واجب است، برای همین غرض... و هر چه موافق رسم الخط معهود آن زمان بوده و در زمان ما تغییر کرده است، باز باید همان رسم قدیم را محفوظ داشت. الا آن که الف اشباع را برای حفظ از غلط در تلفظ مراعات کرده و حفظ لفظ را مهم تر از حفظ نقش کتاب شمردند و برای این امثله ذکر می کنیم: اما کلماتی که بر خلاف رسم معهود است، مانند (ابن) که در قرآن همه جا با الف است، مانند عیسی ابن مریم و موسی ابن عمران و در کتابت معروف، بین دو علم بی الف نوشته می شود، نباید در قرآن بی الف نوشت تا توهّم نشود که از حروف آن چیزی کم شده است... [۲۸]. و در ذیل آیه ۸۱ سوره نساء فمال هؤلاء... گوید: غرض متابعت [رسم الخط] قرآنهاى زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه است تا از تحریف و تصحیف مامون باشد. از جمله مال هؤلاء که لام حرف جر را از هؤلاء جدا نویسند [۲۹]. حتی بدون بسم الله بودن سوره براءت را دلیل عدم تحریف قرآن دانسته، چنین می نویسند: بی بسم الله بودن این سوره تعبد و دلیل قطعی است بر این که قرآن تحریف نشده و نویسندگان تابع دستور رسول بودند و به قیاس و فکر خود عمل نمی کردند و سوره براءت را با این که سوره دیگر می دانستند غیر انفال، بسم الله بر آن نیفزودند و آن که جماعتی

پندارند، سوره بندی قرآن و ترکیب آیات متفرقه و نام سوره نهادن، همه به اختیار مردم بوده، صحیح نیست؛ بلکه این سوره را خود پیغمبر صلی الله علیه و آله ترکیب فرمود و میان آنها بسم الله قرار داد، جز این سوره، و در مبادی بعضی، حروف مقطعه مقرر فرمود و در بعضی نفرمود و هر یک را نامی نهاد و اشاره کرد [۳۰].

### مشخص بودن سوره ها در زمان رسول خدا

شاید مهم ترین دلیلی که مرحوم شعرانی در نفی تحریف یاد کرده اند، این است که تمامی آیات و سوره های قرآن در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین گردید و هر سوره با نام کامل و مشخصات خاص خود در زمان آن حضرت معروف و شناخته شده و در بین مسلمانان رایج و مرسوم بوده است؛ به گونه ای که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مثلاً می فرمود: هر کس سوره بقره را بخواند، پاداش او چنین و چنان خواهد بود و یا اگر سوره توحید را بخواند، چه اندازه اجر و مزد خواهد داشت و...، همگان می دانستند که حضرت درباره چه چیزی سخن می گوید. علامه در این باره می نویسد: جمع آیات در سوره ها در عهد خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و به امر و دستور آن حضرت بود و ترتیب آیه ها نیز. این که فلان سوره بزرگ است و فلان سوره کوچک، و در آغاز سوره ای حروف مقطعه و در سوره ای نیست، و در آن که هست چه حروف است و اسامی سوره و این که هر سوره مبدو به بسم الله است جز برائت، همه به امر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و هر سوره را

به نام و نشان، گروه بی شمار از مسلمانان جزیره العرب نوشته یا از بر داشتند و این که گویند، امیرالمؤمنین خواست قرآن را جمع کند، مقصود جمع سوره هاست در یک مجلد؛ نه جمع آیات متفرقه و تشکیل دادن سوره، و همچنین زید بن ثابت و دیگران. و گرنه ترتیب و تشکیل سوره در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله بود [۳۱]. همچنین در حواشی وافی در این باره آورده است: ان جمع القرآن علی عهد ابی بکر لم یکن بمعنی جمع الآیات فی السور، بل جمع السور فی مصحف واحد؛ لان جمع الآیات فی السور کان بامر رسول الله صلی الله علیه و آله فی عصره كما ذکرنا. علی هذا فلا یتحمل التحریف، لان کل واحده من السور کانت متواتره لکثره من کان یحفظها فوق حد التواتر [۳۲]. به علاوه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که به زنها سفارش می کرد: سوره نور را بخوانند، و خود در نمازهای آیات، سوره بقره و آل عمران را قرائت می فرمود و یا فرموده است: هر کس چهار آیه اول سوره بقره را به همراه آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن و همچنین سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، هرگز در نفس و مالش امر مکروهی را مشاهده نمی کند. همه این موارد نشان می دهد که بسیاری از سوره ها و از جمله سوره بقره، آل عمران، نور و... در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله دارای نظم و ترتیب معینی بوده است و همه می دانستند که اول، وسط و آخر آن کجاست و بر این اسامی شبهه تحریف، خود

به خود بی معنا خواهد بود [۳۳].

## تعیین جای آیات از سوی پیامبر

آنهایی که تصور می کنند، آیات قرآن، متفرق و پراکنده بود و در زمان جمع قرآن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله احتمال تحریف در آنها منتفی نبوده است، از این نکته غافلند که حضرت خود پس از نزول آیات جای آنها را در درون سوره ها مشخص می فرمود. این امر را علاوه بر دلائل متقن تاریخی که به اجمال در مورد پیشین بدان اشاره شده، قرآن نیز گواهی می دهد؛ زیرا وقتی قرآن با صراحت می فرماید: «فاتوا بسوره من مثله» [۳۴] یا «فاتوا بعشر سور مثله» [۳۵] یا «سوره انزلناها» [۳۶] و...، به روشنی اثبات می کند که واژه سوره در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای آن حضرت و هم برای صحابه شناخته شده بود و تعریف مشخصی داشت؛ به ویژه آنکه برخی سوره ها یکباره نازل گردیده بود و نظم و ترتیب آنها از همان آغاز به وسیله وحی مشخص شده بود و این سوره ها در مکتوبات متعددی در نزد برخی از صحابه موجود بود و بسیاری دیگر نیز آنها را به دقت حفظ کرده بودند؛ بنابراین هیچ زمینه ای برای تحریف به معنای کم و یا زیاد کردن در قرآن فراهم نبود. به تعبیر مرحوم شعرانی: حاصل کلام اینکه می پرسیم: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که قرآن نازل می شد، آن را پنهان نگاه می داشت یا بین مردم منتشر می کرد؟ البته در جواب می گویند: منتشر می کرد. باز می پرسیم: وقتی منتشر می کرد، اجازه می داد هر آیه را جزو هر سوره بخوانند یا مقید می فرمود؟ اگر بگویند: مردم را آزاد می گذاشت، در این

صورت، تحریف معنا ندارد و هر آیه را در هر جا می توان قرائت کرد و اگر بگویند: مقید می فرمود؛ البته جمعی کثیر که آن حضرت را در تکالیف دشوار، مانند زکات و جهاد و روزه اطاعت می کردند، در این امر نیز متابعت داشتند و وقتی یک آیه جز و یک سوره شد و به همان هیات در ممالک پراکنده گشت، تغییر آن محال بود [۳۷].

### اهتمام صحابه

نکته دیگری که به اعتقاد علامه، دلیل تحریف ناپذیری قرآن است، توجه و اهتمام بیش از حد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به قرآن است. همان گونه که از خلال مطالب پیشین به دست می آید، علاوه بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و تاکیدهای فراوانی که در حفظ و نگارش و تعلیم و تعلم قرآن بیان فرمود و ثوابهای بسیاری که برای حفظ و تعلیم آن مطرح کرد، اصحاب آن حضرت نیز توجه و عنایت خاصی نسبت به قرآن مبذول داشتند، به گونه ای که حتی تصور این که ممکن است چیزی از قرآن کم یا زیاد شده باشد، امری محال می نماید. این توجه تا بدان حد بوده است که به تعبیر مرحوم علامه: آیه ها و کلمات و حروف قرآن را شمردند و کیفیت ادای کلمات را ضبط کردند. مانند این که ابن کثیر چه اندازه مد واجب را می کشید و کسائی کدام را با غنه ادا می کرد و با این قراین، معلوم می شود که چه اندازه در ضبط و نگهداری قرآن از تصحیف و تحریف می کوشیدند [۳۸].

### تاکید بر تلاوت صحیح

تلاوت عین الفاظ قرآن از صدر اسلام تا کنون و سفارش و توصیه اکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر حفظ و تلاوت عین الفاظ آخرین کتاب آسمانی دلیل دیگری بر تحریف ناپذیری آن است. علامه در این باره می فرماید: قرآن کلام الهی است که به وحی الهی بر پیغمبر ما نازل گردید؛ لذا ترجمه آن را قرآن نگوئیم و مطالعه آن را بی تلفظ، تلاوت نخوانیم؛ هر چند ثواب بسیار دارد و عنایت پیغمبر صلی الله علیه و آله از آغاز بر این

بود که عین الفاظ، بی کم و زیاده، بر زبان ها جاری گردد و همین را عبادت قرار داد و در هر نماز واجب فرمود به امر الهی. چنان که اگر کسی نتواند لفظ آن را چنان که باید بر زبان ادا کند، حتی برای لکنت و آفت، امامت وی جایز نباشد، و اقتدای به او در جماعت باطل بود و اگر حرفی را مانند عین و حاء، چنان که عرب ادا می کنند، از مخارج معین، به صفات معینه، ادا نکند، قرآن نخوانده و تلاوت نکرده است و این قاعده بر خلاف سایر کتب و مؤلفات است که به ترجمه و مطالعه و فهم معنا، بی ادای لفظ، مقصود حاصل است. حکمت بزرگ این دستور، نگهداری قرآن از تحریف و تبدیل است؛ چون که تمام مسلمانان در اطراف و اکناف عالم به این تقید، نگهبان کلمات قرآنند و جاسوس یکدیگر که در آن تغییری رخ ندهد. از این جهت مشاهده می کنیم که هیچ کتابی، هر چند معروف و مشهور بود و در هر زمان متداول و متواتر، بی اختلاف و تغییر و بدون زیاده و نقصان نیست و نسخ اصلی و قدیم با یکدیگر مخالف و در فصول و ابواب و عدد آیات مانند یکدیگر نیستند...؛ چون آن طور که در قرآن ملاحظه می کنیم، اذهان اهل عالم متوجه الفاظ و کلمات و عین عبارات کتاب نبوده است [و این تنها قرآن است که از چنین ویژگی استثنایی و منحصر به فرد برخوردار است]. [۳۹].

### **ضعف ادله تحریف**

یکی از دلایلی که برخی محدثان، نظیر محدث نوری را وادار ساخت تا قول به تحریف را بپذیرد، وجود پاره ای احادیث، در برخی



جوامع حدیثی است. علامه شعرانی - همانند بسیاری از بزرگان شیعه بر این باور است که: اولاً این احادیث از برخی کتابهای مجعول یا غیر معروف حدیثی نقل شده است [۴۰]. ثانیاً از نظر سند غیر موثق است؛ ثالثاً از نظر متن و محتوا نامعتبر است؛ رابعاً با قرآن و عقل مخالف است؛ بنابراین به هیچ وجه نباید به چنین احادیثی استناد کرد [۴۱]؛ چنانکه این نکته را در ترجمه "تبصره المتعلمین" با صراحت بیان کرده و چنین فرموده است: روایتی که بدانیم مفاد و لوازم آن، مطابق قواعد مذهب صحیح نیست، نسبت آن به ائمه علیهم السلام نتوان داد؛ مانند روایاتی که در سهو نبی صلی الله علیه و آله یا تحریف قرآن یا این که ماه رمضان هرگز از سی روز کمتر نمی شود، [وارد شده است...]; گرچه بسیار باشد و به اسناد از ثقات نقل شده [باشد]؛ اما یقیناً راویان در آن سهو کرده اند؛ چون از خطا معصوم نبودند [۴۲]. ایشان در پاسخ به میرزای نوری در حواشی فصل الخطاب در این زمینه چنین مرقوم فرموده اند: تردیدی نیست که خود آن سوره ها در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله گردآوری [شد] و به نامهای خودش [ان] مرسوم گردیده بود؛ به گونه ای که چون یکی از آنان می گفت، سوره هود یا سوره یوسف یا سوره طه، شنوندگان متوجه می شوند چه سوره ای را اراده کرده و پس از آن که سوره نوشته شد و معروف بود، [حتی با فرض] نبودن این ترتیب بین سوره ها در یک مصحف، زیانی ندارد؛ چون به طور کلی می گوئیم: همه این احادیثی که روایت شده،

نه برکاسته شدن از قرآن دلالت دارد و نه بر متواتر نبودن قرآن موجود؛ بلکه آوردن سه حدیث ضعیفی که ضعفش آشکار است - و ما در جلوتر بیان داشتیم - در برابر معلوم، ارزش و اعتباری ندارد [۴۳]. و در جایی دیگر می فرماید: حدیث [تحریف] بدون سند و ضعیف است و احتمال توهم راوی در آن می رود و ممکن است که در آن تصرف کرده باشد و به تعبیری نقل کرده است که با آن، از مقصود خارج شده باشد [۴۴]. همچنین از آن جا که برخی از احادیث تحریف از کتاب "سلیم بن قیس" نقل شده، درباره او و کتابش می نویسد: کتاب سلیم بن قیس ساختگی است و حدیثی که فقط در آن باشد و در جای دیگر نباشد، جدا ضعیف است... و یک حدیث را به چند بار آوردن متعدد نمی گردد و تمامی آنچه در کتاب سلیم بن قیس می باشد، حدیث واحد و ضعیف است و به چند مرتبه نقل کردن قوی نمی شود [۴۵]. و سرانجام این که در نفی حدیثی می نویسد: این حدیث نیز مرسل و ضعیف است و گویا همان حدیثی است که از کتاب سلیم نقل گردیده؛ چون عبارتهایش به آن می ماند [۴۶]. مرحوم شعرانی در حواشی وافی - که بحث تحریف ناپذیری را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار داده است - به نقل از «مرآة العقول» علامه مجلسی چنین آورده است: لا یخفی ان هذا الخبر و کثیرا من الاخبار الصحیحہ صریحہ فی نقص القرآن و تغیرہ و عندی ان الاخبار فی هذا الباب متواتره معنی و طرح جمیعها یوجب رفع الاعتماد عن اخبار

الامامه فكيف يثبتونها بالخبر [٤٧]. آن گاه در پاسخ به تفكر علامه مجلسی و پیروانش چنین می فرماید: و الجواب انا لا نثبت اصل الامامه بالخبر الوارد عن اهل البيت فانه مصادرته على المطلوب، بل باخبار اهل السنه و كما ان طرح جميع الاخبار يوجب رفع الاعتماد عن الاخبار قبول جميعا يوجب رفع الاعتماد عن القرآن و القرآن اولی بان يعتمد عليه و اما تغيير القرآن فلا يثبت بهذا الخبر؛ لان هذا الخبر نفسه محرف مغير و اما الاخبار المتواتره التي تدل على تحريف القرآن فلم نرها مع بذل الجهد و قد جمع بعض محدثي العصر الاخير جميع ما ورد بزعمه في تحريف الكتاب في كتاب سماه فصل الخطاب و تتبعنا صدره و ذيله و جميع ما فيه يرجع الى الادله الثلاثه التي ذكرناها و اجبنا عنها بما فيه كفايه [٤٨]. سپس در ادامه می افزاید: البته برخی احاديث را محدث نوری نقل کرده است که علامه مجلسی آنها را نیاورده؛ از آن جمله حدیثی است که می گوید: منافقان چیزهایی را از جانب خود به قرآن افزودند؛ در حالی که اولاً راوی این سخن معلوم نیست که چه کسی است؛ ثانیاً حتی اگر معلوم بود هم، ما حکم به ضعف و جرح او می کردیم؛ چرا که او روایتی را نقل کرده که با صریح قرآن مخالف است؛ علاوه بر این که او از کتاب سلیم بن قیس [٤٩] روایاتی را نقل کرده؛ در حالی که کتاب وی دارای اشتباهات و مجهولاتی است که هرگز نمی توان و نباید بدان اعتماد کرد؛ حتی برخی آن را به دلیل همین اشتباهات فاحش، موضوع و جعلی می دانند؛ همچنین سوره ای به نام

"سوره الولایه" را نقل کرده است که در کتاب بی اصل و اساسی همچون "دبستان المذاهب" آمده است [۵۰]. و سرانجام این که از احتجاج طبرسی این گونه آورده است که میان قول خداوند در سوره نساء که فرمود: «و ان خفتن ان لا تقسطوا فی الیتامی و این آیه بود فانکحوا ما طاب لکم» بیش از یک سوم قرآن حذف شده است!! یعنی در بین این دو آیه از سوره نساء بیش از ثلث قرآن حذف شده!! در حالی که اولاً این روایت مرسل است؛ ثانیاً مضمون آنها معقول و نامقبول است؛ چرا که در این صورت باید گفت سوره نساء حدود دوهزار و پانصد آیه داشته است؛ ثالثاً بیانگر آن است که سوره ها در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله تالیف نشده باشد که این هم خلاف نقل مسلم و تاریخ قطعی است. عین عبارت ایشان در این زمینه چنین است: نقل [المحدث النوری] فیها بضع اخبار ضعاف لا یبلغ عقد العشره یشتمل بعضها علی امور لا یقول به المجلسی رحمه الله و لا غیره من علمائنا و لا یعتمد علیها قطعاً. منها مرسله الاحتجاج یتضمن ان المنافقین زادوا فی القرآن اشیاء من تلقاء انفسهم و لا- نعرف راوی هذه الروایه ولو كان معلوماً لحکمنا بضعفه لانه راویها و منها روایه سلیم بن قیس فی مواضع عدیده من کتابه المعروف و هو کتاب موضوع لا یعتمد علیه و مشتمل علی اغلاط و مناکیر كما ثبت فی محله و منها سوره الولایه التي اوردها فی کتاب دبستان المذاهب و لیس لها اصل و مستند و منها ما روی فی کتاب الاحتجاج: ان بین قوله تعالی

«و ان خفتم ان لا- تقسطوا فى اليتامى» و قوله تعالى «فانكحوا ما طاب لكم من النساء» سقط اكثر من ثلث القرآن و هو روايه مرسله و مضمونها غير معقول؛ اذ يلزم منه كون سوره النساء اكثر من ثلث القرآن مشتمله على الفين و خمسمائه آيه تقريبا او يلتزم بعدم كون السوره مؤلفه على عهد رسول الله صلى الله عليه و آله و تكلمنا على كل واحد من هذه الاخبار فى حاشيه فصل الخطاب و اظن ان المجلسى (ره) ما اراد من الاخبار المتواتره امثال تلك الروايات فانها قليله جدا بل اراد بها ما ورد فى القراءات الشاذه و اراده بالتحريف اختلاف القرائه والله العالم [٥١].

## پاسخ به برخی از شبهات

### اشاره

علامه شعرانى در لا به لای نوشته هاى خود به پاره اى از شبهاتى كه درباره قرآن كريم است و اغلب آنها از ادله محدث نورى بر تحريف قرآن به شمار مى رود، پاسخ داده اند كه اينك به گزارش آنها مى پردازيم:

### شبهه آیات منسوخ التلاوه

از شبهاتى كه در اثبات تحريف قرآن، ياد شده، وجود آياتى به نام "منسوخ التلاوه" است. منسوخ التلاوه [يعنى اين] كه چيزى از قرآن پس از آن كه مدتى تلاوت مى شد، در عهد پيغمبر صلى الله عليه و آله، به امر خداوند تعالى نسخ شود. نظير آن كه مؤلفى پس از تاليف كتابى، تجديد نظر كرده، بعض سطور و مطالب آن را محو كند [٥٢]. در ميان علمائى عامه و نيز برخى از دانشمندان خاصه، چنين عقیده اى رايج بوده است كه پاره اى از آيات و سوره قرآن به امر خداى متعال نسخ شده و به گونه اى از ذهن پيامبر صلى الله عليه و آله و صحابه محو گرديد!! كه نه حكم آنها باقى ماند، نه لفظ و تلاوت آن. اين باور كه متاسفانه بر مبنای برخى روايات ضعيف يا جعلی پديد آمد، در اذهان بعضى از دانشمندان مسلمان جاگير شد و به تدريج نظريه اى تحت عنوان "منسوخ التلاوه" پديد آمد كه اعتقاد به آن دقيقا مساوى با عقیده به تحريف قرآن است؛ از اين رو، بسيارى ديگر از علمائى مسلمان، ضمن اثبات نادرستى اين روايات، بر اين باور صحيح پاى فشردند كه منسوخ التلاوه هيچ اصل و اساسى ندارد و كسى كه بدان ملتزم شود، بى ترديد دچار انحراف در دين است و به خاطر چند روايت ضعيف و بى اساس، ركن ركين اسلام، يعنى آخرين كتاب

آسمانی را در معرض شبهه و تشکیک قرار داده است. علامه شعرانی در برابر منسوخ التلاوه آن چنان موضوع سخت گیرانه ای ندارد - آن گونه که علامه طباطبایی و مرحوم خوئی داشته اند -؛ [۵۳] ولی در نهایت آنها را نمی پذیرد و این گونه اظهار نظر می کند: و از کلام محقق [حلی] در معارج معلوم می گردد که در وقوع آن تردید داشت و آیات منسوخه که نقل می کنند، شباهت به قرآن ندارد. مانند آیه الرجم: «اذا زنی الشیخ و الشیخه فارجموها البته، نکالا من الله و الله عزیز حکیم» که به عبارت دیگر هم نقل شده است و یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله علی ما روی، می گفت: ما سوره احزاب را به یاد داریم؛ در عهد پیغمبر صلی الله علیه و آله به اندازه بقره بود. باید گفت: این مرد چون هنگام شنیدن آن سوره، برای کاری شتاب داشت، به نظرش طولانی آمد و به امثال این اوهام نمی توان وجود منسوخ التلاوه را ثابت کرد [۵۴]. مرحوم آیه الله العظمی خوئی نیز درباره منسوخ التلاوه می نویسد: نسخ تلاوت قسمتی از آیات قرآن و اسقاط آن از قرائت، عینا همان تحریف و تنقیص قرآن است. همان طور که تحریف قرآن مورد قبول نیست؛ نسخ تلاوت نیز خالی از اشکال نخواهد بود؛ زیرا این نسخ یا به وسیله خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و یا به وسیله افرادی که بعد از وی زعامت و ریاست مسلمانان را به دست گرفته بودند. نظریه اول و وقوع نسخ از خود پیامبر صلی الله علیه و آله محتاج به دلیل و گواه مسلم است

و با این روایات متزلزل نمی توان آن را اثبات کرد؛ زیرا به عقیده تمام دانشمندان، قرآن با خبر واحد قابل نسخ نمی باشد... و اگر منظور این باشد که نسخ تلاوت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و به وسیله زعما و زمامداران مسلمان به وقوع پیوسته است، این همان عقیده به تحریف قرآن [و باطل] است [۵۵].

### شبهه مربوط به مصاحف صحابه

محدث نوری گوید: این که عبدالله بن مسعود مصحف مخصوص معتبری داشته که با مصحف موجود ناسازگار بوده، مستلزم آن است که مصحف موجود، از جهت اعجاز با همه آنچه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شده، هم آهنگ نباشد و اگر چه در مصحف ابن مسعود هم، از جهت ترتیب، مخالفتی با مصحف امیرالمؤمنین وجود دارد [۵۶]. شعرانی در پاسخ، این گونه مرقوم داشته است: موجود بودن مصحفی از عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و دیگران دلالت ندارد بر مخالفت داشتن آنها با مصحف معروف مگر در قرائت بعضی به کلماتی و گرنه آنچه با تحقیق به دست آمده و به تواتر معلوم گشته، آن است که عدد سوره ها و آیات در تمامی مصحفها با هم یکی هستند و فرق میان آن دو در ترتیب سوره هاست. مثلاً در بعضی مصحفها سوره بقره بعد از سوره آل عمران است و در بعضی مصحفها سوره آل عمران بعد از سوره بقره می باشد، یا در قرائت بعضی کلمات و ادای برخی حروف تفاوت دارند و اگر آن مصحفها برای ما به تواتر نقل شده بود، قرائت از آنها برای ما جایز بود، نظیر اختلاف قراء سبعة؛ جز این که عثمان مردم را بر محور یک قرائت جمع

کرد و آن قرائتها به تواتر نرسیده و عثمان گمان کرد، جمع کردن مردم به محور یک قرائت، امکان پذیر است؛ لکن بعدش به ثبوت رسید که این کار ممکن نیست و بعد از او، قراء در کلمات اختلاف کردند. پیغمبر که بعضی اختلاف در قرائت را برای ایشان جایز دانست، برای این بود که امت به مشقت نیفتند و اتفاق در قرائت امکان نداشت و بعضی احادیث که دلالت دارد بر این که مصحف ابن مسعود، کلماتی زیاده‌تر از قرآن فعلی دارد، جدا ضعیف است [۵۷].

### شبهه مرتبط با مصحف علی

یکی دیگر از شبهاتی که محدث نوری و دیگران در اثبات تحریف بدان تکیه کرده اند، مربوط به مصحف علی علیه السلام است. این مطلب که حضرت علی علیه السلام دارای مصحفی بوده و اولین جامع قرآن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می آید، یکی از دلایل مدعیان تحریف است. علامه در این باره می نویسد: شهرت تحریف و نقصان در چند مورد ناشی شده است. یکی آن که مسلم است حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را جمع کرده و صحابه قرآن او را پذیرفتند و بعد از آن، کسی قرآن حضرت را ندید و صحابه خودشان جداگانه قرآن را جمع کردند و آن مشهور شد و از این جا توهم کردند که در آن قرآن، چیزهایی بوده مخالف با مقصود خلفا، لذا خودشان قرآنی نوشتند که آن چیزها را نداشته باشد [۵۸]. آن گاه در مقام پاسخگویی برآمده و این چنین نوشته است: لیکن هیچ یک از این دلایل، بر مقصود آنها دلالت نمی کند؛ چون



ممکن است که ابتدا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست که باید قرآن را جمع کرد و خلیفه مخالف این رای بود؛ لذا قرآن آن حضرت را قبول نکرد و بعد از آن که مجبور شدند، آن را جمع کنند. نخوت عربی و لجاجت قومی مانع شد، آن را مطالبه کنند. پس زید بن ثابت را مامور جمع کردند. و این که در احتجاج طبرسی وارد شده که عمر خواست آن قرآن را از حضرت امیرعلیه السلام بگیرد و همان را بین مسلمانان منتشر کند و حضرت ابا فرمود؛ لذا زید بن ثابت را مامور جمع قرآن نمودند، این حدیث، مرسل است و بدان اعتماد نمی توان کرد و بعید می نماید که در صورت رضایت خلفا، حضرت امیر علیه السلام مردم را از این فیض باز دارد؛ مخصوصا این که در مصحف آن حضرت، شان و زمان نزول هر آیه و تاویل آن و ناسخ و منسوخ موجود بود و اگر مانعی برای انتشار آن نبود، لازم ترین چیز برای امت، داشتن چنین قرآن با چنین تفسیری است [۵۹]. ایشان همچنین در موارد متعددی در آثار خویش به این نکته اشاره کرده اند که قرآن حضرت علی علیه السلام از نظر تعداد سور و آیات به هیچ وجه با قرآن فعلی تفاوتی نمی کرد؛ بلکه صرفا به ترتیب نزول گردآوری شده بود و اضافات تفسیری و بعضی از علوم قرآنی در آن بوده است، همین و بس [۶۰]. وی در ضمن می افزاید: مراد از تالیف امیرالمؤمنین علیه السلام بر ترتیب نزول این نیست که آن غیر به هم پیوستگی سوره های معین، کار دیگری بوده و آن حضرت بعضی

آیاتی را که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سوره یس بوده، مثلاً در سوره کهف قرار داده باشد یا این که آیات را از آن گونه که بوده، تغییر داده باشد؛ بلکه امیرالمؤمنین آن بافت جمع آوری رسول خدا صلی الله علیه و آله را حفظ کرد و در حواشی و کناره های صفحه مثلاً- بیان کرده که نزول آیه فلان پیش از نزول آن آیه بوده است و... [۶۱]. علامه شعرانی ضمن پذیرش مصحف علی علیه السلام و تاکید فراوان بر اهمیت این مصحف و اظهار تاسف از این که جامعه اسلامی آن را نپذیرفت، بر این نکته اصرار می ورزد که مصحف امیرمؤمنان علیه السلام بی هیچ کم و کاستی دقیقاً همان مصحف زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است و آنچه که از سوی خلفا انجام گرفت نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است و آنها نه می خواستند و نه می توانستند که یک کلمه از قرآن را کم یا زیاد کنند. به عبارت دیگر، بی تردید حضرت سعی نمود، مصحفی تدوین نماید؛ اما آنچه انجام گرفت نیز دقیقاً مورد تایید ایشان بوده است و مهم ترین دلیل این ادعا این است که حضرت پس از خلیفه سوم که زمامدار امت شد، کوچک ترین تلاشی در جهت معرفی مصحف خویش و منزوی ساختن مصحف رسمی که در زمان عثمان گردآوری شده بود، انجام نداد. آیا این رفتار حضرت بهترین گواه رضایت ایشان از مصحف رسمی تلقی نمی شود؟ البته که چنین است؛ زیرا کاری خلاف نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه در دوره بیست و سه ساله بعثت انجام گرفته، به انجام

نرسیده است. مرحوم شعرانی به نقل از علامه حلی در کتاب تذکره این گونه آورده است که مصحف فعلی که به زمان عثمان بر می گردد، در واقع همان مصحف علی علیه السلام است؛ چرا که مورد رضایت حضرت به هنگام تدوین و پذیرش ایشان پس از رسیدن به خلافت بوده است. عبارت علامه در این زمینه چنین است: وقد صرح رحمه الله فی مبحث القرائه من کتاب الصلوه من التذکره بان هذا المصحف الموجود بایدینا الان الذی اجمع الصحابه علیه و احرق عثمان ما سواها، هو مصحف علی علیه السلام [۶۲]. و در مقدمه منهج الصادقین آورده است: به قول علامه رحمه الله در تذکره، مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام که پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع کرد، همین مصحف متداول امروزی است که مادر دست داریم [۶۳].

### شبهه راجع به جمع قرآن در زمان عثمان

جمع قرآن در زمان عثمان، یکی دیگر از شبههاتی است که قائلان به تحریف آن را دستاویز ادعای باطل خود قرار داده اند. به تعبیر مرحوم شعرانی: توهم نقص و تحریف قرآن از آن برخاست که در زمان خلافت عثمان خواستند همه مردم بر یک قرائت متفق شوند، قرآنهای دیگر را سوزانیدند. توهم آن شد که مقداری از قرآن در سوختن از میان رفته باشد [۶۴]. ایشان در پاسخ می فرمایند: اما این که عثمان قرآنها را سوزانید، دلیل آن نیست که می خواسته از آن، سوره یا آیاتی را حذف کند؛ بلکه ممکن است برای این بوده که مردم را بر یک قرائت متحد کند؛ زیرا که قرائتها مختلف بود. ایرادی که بر عثمان می گیرند، [این نیست که چیزی از قرآن کم

کرده است؛ زیرا چنین چیزی اساساً غیر ممکن بوده است؛ بلکه] این است که برای هر غرضی بوده - ولو غرض صحیح این گونه توهین به کتاب الهی، ترک ادب است و سید مرتضی در شافی می گوید: «اختلاف قرائت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده و آن حضرت تجویز فرموده. دلسوزی عثمان بیش از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بی مورد بوده است» [۶۵].

به علاوه: نسخ آن قرائت سوخته شده موجود است و می دانیم که تفاوت مصاحف در قرائت در چه حد بود. به هر حال احتمال نقص و تحریف در قرآن، بسیار سخیف و بعضی گفته اند: سفیهانه است و سید مرتضی به برهان آن را باطل ساخته و در مجمع البیان و تیبان و سایر کتب آن را بیان کرده اند [۶۶]. سرانجام اینکه: ان اختلاف المصاحف التي احرقها عثمان لم يكن في عدد السور والآيات، بل كانت مشتملة على هذه السور المؤلفه عن هذه الآيات الموجودة الا المعوذتين في مصحف ابن مسعود، او في كلمات قليلة في القرائات كانت مما جوزها رسول الله صلی الله علیه و آله و قد نقل لنا شطر منها، لان جميع تلك المصاحف لم تنعدم قطعا عن صفحه الوجود، بل بقي منها نسخ كثيرة في ايدي الناس و انت باقيه بعد ذلك بقرون حتى رای بعضها ابن النديم و نقل ترتيب السور فيها و نقل المفسرون و القراء مواضع الاختلاف في كتبهم... [۶۷]. همان گونه که پیش از این نیز بیان کرده ایم، دیدگاه علامه شعرانی در زمینه جمع قرآن این است که تمامی آیات و سوره های قرآن در زمان حیات پیامبر صلی الله

علیه و آله دارای انسجام معین و جایگاه مشخصی بوده است و آنچه پس از رحلت حضرت انجام گرفت، کار جدید و عمل تازه ای نبود؛ بلکه صرفاً قراردادن قرآن در میان دو جلد بوده است. ایشان در تعلیقاتی که بر فصل الخطاب نوشته اند و در ضمن کتاب قرآن هرگز تحریف نشده انتشار یافته است، در این باره از جمله چنین آورده اند: این از مسایل روشن است که در زمان زندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به گونه متواتر، سوره ها جمع آوری شده بود؛ به طوری که هر گاه گفته می شد، سوره بقره، سوره هود، سوره احزاب و... شنونده می فهمید که آن چه سوره ای است و بدین جهت اسم سوره در قرآن کریم آمده است. پس بدون تردید، ناگزیر پیوستگی سوره ها [متشکل] از [تمام] آیات، بر می گردد به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که به فرمان خدا بوده؛ بنابراین اگر ما فرض کنیم بر این که، پاره ای از آیات از یک سوره مانند سوره اقرء پیش از آیات دیگرش نازل گردیده، الحاق آیاتی که بعداً نازل شده به آیات جلوتر به دستور پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ بنابراین همه سوره هایی که در قرآن است، جمع آوری شده بود [۶۸].

### شبهه اختلاف قرائت ها

از دیگر دلایلی که برای وقوع تحریف، از سوی قائلان به آن به ویژه محدث نوری ذکر شده، اختلاف قرائتها است؛ امری که پیامبر صلی الله علیه و آله خود شخصا آن را تجویز فرمود؛ به علاوه موارد آن نیز تا جمع خلیفه اول آن اندازه فراوان نبود که موجب تحریف قرآن شود. علامه در پاسخ به این شبهه از جمله چنین فرموده

است: اختلاف بین قراء قبل از احراق مصاحف بسیار ناچیز بود و از نمونه های منقوله از قرائت عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب معلوم می شود که از دو سه کلمه زیاده و نقصان، یا اختلاف یکی دو کلمه مترادف تجاوز نمی کرد و این سوزاندن گرچه هتک حرمت بود؛ اما دلیل شدت توجه و عنایت مردم است به هر حرف و کلمه، که چون دیدند بعض مردم کلماتی چند به اخبار آحاد شنیده می خوانند، برآشفتند و آنها را به قرائت متواتر مصحف رسمی ملزم ساختند... [به علاوه] اختلاف قرائت چیز دیگر است و تحریف قرآن چیز دیگر؛ چون هیچ کس از علمای اسلام انکار اختلاف قرائت نکرده است، چه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و چه پس از وی و این اختلاف نزد آنان چنان است که مؤلفی در عبارت کتاب خود دو وجه را تجویز کند. مثلا حاج ملاهادی سبزواری (قدس سره) در شرح این بیت: سمیت هذا غرر الفرائد++ اودعت فیها عقد العقائد تجویز فرموده است کلمه «غرر» را به ضم عین و هم به فتح آن قرائت کنند. پیغمبر هم به امر خداوند چند قرائت را تجویز فرمود؛ اما تحریف را همه منکرند جز جماعتی از حشویه که معنای بعض روایات را ندانستند، یا بر روایات ضعیفه اعتماد کردند... و از آنچه گفتیم علت اشتباه صاحب فصل الخطاب معلوم گردید؛ چون وی اختلاف قراآت، مخصوصا شواذ آن را نقل کرده و آن را دلیل تحریف قرآن دانسته است [۶۹]. همچنین در حواشی خود بر وافی مرحوم فیض کاشانی می نویسد: ان اختلاف القرائه غیر التحریف. کیف و الاول بدیهی یعترف

به کل احد، لا يعترف بالثاني. الا ترى ان اختلاف النسخ في الكتب المتواتره كالکافي و الاستبصار و سایر کتب الادب و الفقه و غيرها لا- يدل على وقوع النقصان و التحريف فيها؟ و ليس اختلاف القرائه في القرآن الا- كاختلاف النسخ، لكن مع علم المؤلف و تجویزه و بالجمله، الاستدلال باختلاف القراءت علی وقوع التحريف عجيب من اهل العلم [۷۰].

### شبهه قراءت ائمه

به اعتقاد علامه شعرانی، بخشی از روایاتی که مدعیان تحریف بدان استناد کرده اند، بر فرض صحت، در زمره روایات تفسیری است که یا مصداق یا مصادیق آیات را مشخص کرده یا در زمینه شان نزول آنهاست و یا مواردی از این قبیل را شامل می شود. ایشان در مقدمات تفسیر در این باره چنین آورده اند: اما قرائت اهل بیت - چنان که در روایات وارد است - از دو جهت جایز نیست: یکی آن که آنها در روایات بسیار، اصحاب خود را امر فرموده اند که متابعت قرائت مشهور کنند. جهت دوم آن که به طور قطع و یقین نمی دانیم این قرائتهایی که در کتابهای حدیث به ائمه نسبت می دهند، واقعا از آنها باشد، اگر چه به طور کلی معلوم می شود که آنها قرائتی داشتند که در بعضی موارد، مخالف قرائت مشهور بوده است. در بعض موارد نیز می دانیم که راوی سهو و اشتباه کرده و قرائت از معصوم نیست. مثلا در «صراط الذین انعمت علیهم» روایتی وارد شده که حضرت باقر علیه السلام «صراط من انعمت علیهم» قرائت کرده و ما یقین داریم که هر جای قرآن را تحریف کنند، تحریف سوره حمد محال است؛ چون مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه و

آله روزی پنج مرتبه این سوره را تلاوت می کردند و شاید حضرت باقر علیه السلام در مقام بیان تفسیر و این که آیه منطبق بر چه کسانی است، عبارت اخیری از آیه ذکر کرده، اما راوی گمان کرده که قرائت سوره حمد آن طور صحیح است. و نیز در آیه «فبدل الذین ظلموا قولا- غیر الذی قیل لهم» در سوره بقره [آیه ۵۹] روایت کرده اند که امام فرمود: آیه این طور بوده: «فبدل الذین ظلموا آل محمد قولا- غیر الذی قیل لهم» و می دانیم یقینا این طور نیست؛ چون صریح آیه درباره بنی اسرائیل است. در زمان یوشع بن نون یا حضرت موسی که به آنها گفته شد، از طرف خداوند بگویند: «حطه» و آن کسانی که ظلم کرده اند، آن قول را به قول دیگر تبدیل کردند و معنا ندارد بنی اسرائیل زمان موسی بر آل محمد ظلم کنند! و شاید امام علیه السلام، حال امت اسلام را به حال بنی اسرائیل تنظیر کرده است و همچنان که ظالمان بنی اسرائیل، قول مامور را تبدیل به قول دیگر کردند، ظالمان این امت هم نسبت به آل محمد، امر الهی را تغییر دادند و راوی ملتفت نشده یا فراموش کرده و گمان برده، امام می فرماید: لفظ آل محمد در صریح آیه مذکور است. در بعضی موارد نیز ممکن است امام برای توضیح و تفسیر، کلمه ای در بین آیه فرموده و راوی آن را جزو آیه پنداشته است؛ مثل «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی علی» که لفظ «فی علی» برای بیان مراد از آیه است و همچنین «لا تسئلوا عن اشیاء (لم تبد لکم) ان تبدلکم تسؤکم [۷۱]



« که لفظ «لم تبدلکم» را امام برای توضیح فرموده؛ نه این که جزو قرآن باشد و بیشتر احادیث در قرائت اهل بیت علیهم السلام از این قبیل است. در اتقان، سیوطی از حسن نقل می کند که این طور قرائت کرده: «ان منکم الا واردها، الورود الدخول» و البته جمله «الورود الدخول» تفسیر است و ناقل اشتباه کرده است [۷۲]. آن گاه ایشان در ادامه همین بحث به یک اصل محوری و اساسی در توجیه این قبیل احادیث اشاره می کند که به اعتقاد نگارنده از توجیهاتی که در آغاز بحث ذکر کرده، مهم تر است و آن اصل این است که: احادیث یاد شده غالباً از غلات و مجاهیل و ضعفا [نقل شده و یا] اخبار مرسله ای است که اعتماد بر هیچ یک نیست؛ مخصوصاً آنچه از کتابهایی نقل شده که علما تصریح به بی اعتباری آن کرده اند [۷۳]. بسیاری از این احادیث را باید با این معیار دقیق مورد ارزیابی قرار داد و ضعف متن یا سند آن را بر ملا نمود.

## پاورقی

[۱] آن مرحوم در سال ۱۳۲۰ هجری در بیت علم و ادب در تهران به دنیا آمد و پس از عمری مجاهدت علمی و عملی، در شوال سال ۱۳۹۳ هجری و در سن هفتاد و سه سالگی به لقاء الله پیوست. ایشان در اواخر عمر دچار ضعف و نقاهت و بیماری قلب و ریه گردید و پس از چندی به واسطه شدت بیماری به آلمان اعزام شد و در یکی از بیمارستانهای شهر هامبورگ بستری گردید؛ اما معالجات سودی نبخشید و پس از نیمه شب یکشنبه ۱۲ آبانماه ۱۳۵۲ (هفتم شوال المکرم ۱۳۹۳)

در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نمود. چند روز بعد به تهران منتقل شده و در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد. رک: کیهان اندیشه، ش ۴۵، ص ۸۵.

[۲] منهج الصادقین، ج ۲، ص ۱۵.

[۳] بیان در علوم و مسایل کلی قرآن، ۱/۳۳۵-۲۷۱.

[۴] وقف میراث جاویدان، ش ۷، ص ۱۵.

[۵] فرقان/۷۴.

[۶] آل عمران/۱۱۰.

[۷] همان، ش ۵، ص ۱۰.

[۸] همان.

[۹] مقدمه تفسیر منهج الصادقین، ۱/۵.]

[۱۰] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۰.

[۱۱] منهج الصادقین، ۱/۱۵-۱۴.

[۱۲] همان، ۱/۱۵.

[۱۳] همان.

[۱۴] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱.

[۱۵] تفسیر ابوالفتوح رازی، ۷/۱۸۴.

[۱۶] منهج الصادقین، ۱/۱۳ و ۱/۱۶؛ وافی، چاپ سنگی، ۵/۲۳۲ و ۵/۲۲۷؛ وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱.

[۱۷] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱. آن گونه که علامه در شرح حال خود ذکر کرده است، یکی از آثار ایشان، نقد کتاب حاجی نوری و نگارش تعلیقات در رد عقیده تحریف است. چنانکه در مقدمه وافی به هنگام بر شمردن آثار خود می فرماید: «... و غیر المطبوعه منها حاشیه علی فصل الخطاب فی عدم تحریف الکتاب». شایان ذکر است که حواشی مذکور در ضمن کتاب "قرآن هرگز تحریف نشده" تالیف استاد حسن زاده آملی به چاپ رسیده است.

[۱۸] همان، ۱/۴-۳؛ راه سعادت، ص ۲۳.

[۱۹] تفسیر ابوالفتوح رازی، ۴/۶۹.

[۲۰] همان، ۴/۲۶۴.

[۲۱] همان، ص ۱۳۶-۱۳۵.

[۲۲] همان، ۱/۵؛ نیز بنگرید: قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۱۴۲.

[۲۳] تفسیر ابوالفتوح رازی، ۲/۲۴۶.

[۲۴] همان، ۱۲/۱۱۷.

[۲۵] در ذیل آیه ۲۰۴ سوره بقره می نویسد: "در حاشیه کتاب مجمع البیان در ذیل این آیه نوشته ام که مرضات در مصاحف به «تاء» نوشته شده است برای متابعت مصاحف عهد نبی صلی الله علیه و آله تا خط قرآن از آن صورت که بود متغیر نگردد و توهّم تصحیف

در قرآن نرود". تفسیر ابوالفتوح رازی، ۲/۱۴۹. درباره دو واژه «سنه» و «رحمه» نیز همین نظر را دارد. بنگرید: وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱.

[۲۶] تفسیر ابوالفتوح رازی، ۷/۱۴۱-۱۴۰؛ نیز بنگرید: راه سعادت، ص ۲۶-۲۷.

[۲۷] همان، ۷/۴۷۰.

[۲۸] منهج الصادقین، ۱/۳۰.

[۲۹] تفسیر ابوالفتوح رازی، ۳/۴۴۳؛ راه سعادت، ص ۲۷.

[۳۰] همان، ۵/۴۴۷؛ راه سعادت، ص ۲۶.

[۳۱] منهج الصادقین، ۱/۱۵؛ راه سعادت، ص ۲۵-۲۴.

[۳۲] وافی، ۵/۲۲۷.

[۳۳] وافی، ۵/۲۲۵.

[۳۴] بقره/۲۳.

[۳۵] هود/۱۳.

[۳۶] نور/۱.

[۳۷] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۰؛ نیز بنگرید: راه سعادت، ص ۲۰.

[۳۸] همان.

[۳۹] منهج الصادقین، ۱/۳-۲؛ نیز بنگرید: راه سعادت، ص ۲۲-۲۳.

[۴۰] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۲.

[۴۱] وافی، ۵/۲۳۳.

[۴۲] تبصره المتعلمین، ترجمه و شرح علامه شعرانی، ۲/۵۲۴ و ۲/۵۵۱.

[۴۳] قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۱۳۵.

[۴۴] همان، ص ۱۳۱.

[۴۵] همان.

[۴۶] همان، ایشان درباره سلیم بن قیس و کتابش در موارد دیگری هم همین نظر را بیان فرموده اند. بنگرید به: وافی، چاپ سنگی، با حواشی شعرانی، ۱/۵۵ و ۱/۹۹ و ۳/۴۷ و ۵/۲۳۳؛ شرح اصول کافی ملاصالح، حواشی شعرانی، ۲/۱۶۳ و ۲/۲۷۴ و ۲/۳۷۳.

[۴۷] وافی، ۵/۲۳۲.

[۴۸] همان، ۵/۲۳۳.

[۴۹] این کتاب با نام "اسرار آل محمد" به فارسی منتشر شده است.

[۵۰] شاید انتخاب عنوان طنزگونه "دبستان المذاهب" و در هم آمیختن واژه فارسی به عربی، تا حدودی بر محتوای غیرواقعی آن دلالت داشته باشد و تاسف بار این است که مرحوم محدث نوری، با آن همه علم و اطلاع و ایمان و تعبد، از کتابی این چنین تهی از واقعیت مطالبی را نقل نماید و جالب این که آن را دلیل تحریف قرآن قلمداد کند!

[۵۱] وافی، ۵/۲۳۳.

[۵۲] همان، ۱/۱۶.

[۵۳] بنگرید: المیزان، ۱۲/۱۶۶-۸۱۶۱/۱۹۴؛ ۹/۳۲۱؛ ۱۰/۵۳۵؛ بیان در علوم و مسایل کلی قرآن، ۲/۱۸؛ ۱/۲۸۹.

[۵۴] منهج الصادقین، ۱/۱۷.

[۵۵] بیان در علوم و مسایل

کلی قرآن، ۱/۲۸۹.

[۵۶] همان، ص ۱۳۶.

[۵۷] همان، ص ۱۳۷-۱۳۶.

[۵۸] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱.

[۵۹] همان.

[۶۰] بنگرید: منهج الصادقین، ۱/۱۵؛ وافی، ۵/۲۳۵.

[۶۱] قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۱۳۲.

[۶۲] وافی، ۵/۲۳۵.

[۶۳] منهج الصادقین، ۱/۱۵.

[۶۴] منهج الصادقین، ۱/۱۴.

[۶۵] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۱.

[۶۶] منهج الصادقین، ۱/۱۵/۱۴.

[۶۷] وافی، ۵/۲۲۷.

[۶۸] قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۱۳۲.

[۶۹] منهج الصادقین، ۱/۱۶.

[۷۰] وافی، ۵/۲۲۷.

[۷۱] مائده/۱۰۱.

[۷۲] وقف میراث جاویدان، ش ۵، ص ۱۲.

[۷۳] همان.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

